

Examination of the Criminal System of Hodood through Ethical and Educational Approach

Masumeh Adabzadeh¹, Mohammad Rohani Moghadam², Alireza Sabryan³

Abstract

In the criminal law of Islam, there are limits as one of the penalties aimed at creating a healthy society through the training of healthy people. The philosophy of the state of affairs, as well as the separation of the limits of other crimes and the rules of the special rules, can be determined by the type and importance of the values that are considered necessary for the creation of a healthy and clerical community searched. By studying in Islamic judgments, we conclude that we advise and advocate a mechanism for countering human rights violations in order to promote respect for human rights and freedoms, and to respect them as part of the natural rights of all people.

In such a way that by creating a deterrent under the title of punishment, the discipline of human order and the confrontation with the transgression of dignity and the universal right for human evolution, it creates the level of reform in society and the individual.

By examining the rulings and regulations relating to the limits, the problem of "preventing a crime", "reforming the offender" and "administering justice", "protecting and protecting the interests of the public", is determined by the establishment of a proper and coherent criminal policy, observing the principles Ethics and other teachings of religion are among the most important goals of the criminal system governing And reforming and educating individuals as the main goal. In this research, we have tried to rely on the principles of Islamic law and the principles of Islamic law to deepen

1. Ph.D. student in Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2. Assistant Professor Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. (Corresponding author)
Email: mmoghadam@chmail.ir

3. Assistant Professor Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

the attention of the criminal law of Islam to the educational aspect of the criminals in the criminal proceeding concerning the cases examined to be placed.

Keywords

Criminal Justice System, Limits, Ethics, Upbringing

Please cite this article as: Adabzadeh M, Rohani Moghadam M, Sabryan A. Examination of the Criminal System of Hodood through Ethical and Educational Approach. Iran J Med Law 2019; 13(48): 137-156.

واکاوی نظام کیفری حاکم بر حدود با رویکرد اخلاقی و تربیتی

معصومه ادب‌زاده^۱

محمد روحانی مقدم^۲

علیرضا صابریان^۳

چکیده

در حقوق کیفری اسلام، حدود به عنوان یکی از مجازات‌هایی مطرح هست که هدف از آن، ایجاد جامعه‌ای سالم از طریق تربیت افراد سالم است. فلسفه وضع و همچنین تفکیک حدود از سایر جرائم و اختصاص قواعد خاص به آن‌ها را می‌توان در نوع و اهمیت ارزش‌هایی که در نظر شارع برای ایجاد و بقای جامعه‌ای سالم و اخلاق‌مدار نیاز است، جستجو کرد. اسلام برای مراعات و تحقق احترام به آزادی‌های انسان که جزء حقوق طبیعی هر انسانی است، توصیه‌هایی نموده و ساز و کار مقابل با افراد مخل نظام بشری را در نظر گرفته است، به طوری که با ایجاد عامل بازدارندگی تحت عنوان کیفر حدود، اسباب نظم بشری و مقابله با تعدی و تجاوز به حیثیت و حقوق عمومی را برای تکامل بشر فراهم می‌سازد و زمینه اصلاح و تربیت را در فرد و جامعه ایجاد می‌کند. با تفحص در احکام و مقررات مربوط به حدود مشخص می‌گردد که مسأله «پیشگیری از ارتکاب جرم»، «اصلاح مجرم» و «اجرای عدالت»، «امنیت و حفظ مصالح عمومی» با تعیین یک سیاست جنایی مناسب و همسو با رعایت اصول اخلاقی و سایر تعالیم دین از مهم‌ترین اهداف نظام کیفری حاکم بر حدود می‌باشد و اصلاح و تربیت افراد به عنوان هدف اصلی در نظر گرفته شده است. در این مطالعه سعی شده است با تکیه بر آیات و روایات و بر اساس مبانی حقوق اسلام به میزان توجه قوانین کیفری اسلام به جنبه تربیتی - اخلاقی مجرمین در جرائم کیفری مربوط به حدود پرداخته شود.

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.
Email: mmoghadam@chmail.ir (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

واژگان کلیدی

نظام کیفری، حدود، اخلاق، تربیت

مقدمه

دقت در علل و مصالحی که اسلام بر اساس آن‌ها مجازات‌ها را اعم از قصاص، حدود و تعزیرات مقرر کرده است، نشان می‌دهد که هدف اصلی و غایت نهایی از مجازات‌ها، عاملی فراتر از نظم و عدالت است. بررسی این عناوین که در مقام بیان علت مجازات‌ها آمده است هدفی برتر از نظم و عدالت را می‌رساند. حیات شایسته انسان، سلامت جامعه، مظهر رحمت‌بودن روابط اجتماعی و بالاخره قانون در جامعه هدفی فراتر از نظم و عدالت را می‌طلبد. عنوان جامعی که می‌تواند این اهداف را یک جا شامل شود، اعتلا و توسعه همه‌جانبه زندگی است. پس اسلام به عنوان آیین فطرت در اجرای حدود، با ظرافت تمام به بررسی اتهامات متهمین به جرائم می‌پردازد و در صورت وجود شبهه‌های رأی بر برائت آنان صادر می‌نماید، لذا اجرای حدود اسلامی موجب دوام بشریت، تعالی آن و همچنین مانع کدورت و انتقام شخصی است و زمینه تربیت مجرمین را فراهم می‌نماید و عملاً آرمان واقعی جامعه جهانی است.

مفاهیم

۱- حدود

«حد» در لغت به معنی «منع» است. به همین دلیل، دربان را «حداد» می‌نامند، زیرا مانع ورود مردم می‌شود. در زبان عربی به زندانبان هم «حداد» می‌گویند، چون «مانع» خروج زندانی می‌شود. سخن جامع و مانع را هم گاهی «حد» می‌نامند، زیرا «مانع» دخول دیگر معانی است. به همین دلیل، عقوبات را نیز «حد» نامیده‌اند، چون «مانع» ارتکاب جرم می‌شود (۱). حدود از مباحث مهم کیفری در فقه و حقوق است که به معنای کیفرهایی با میزان مشخص برای جرائمی خاص است. در اصطلاح فقهی مراد از حدود برخی مجازات‌های بدنی و به اندازه‌های مشخص می‌باشد که از جانب شرع برای جرائمی خاص تعیین شده است (۴-۲).

۲- مجازات

مجازات در لغت به معنای جزادادن، پاداش و کیفر آمده است، مجازات پاداش‌دادن و جزادادن در نیکی و بدی (۵). در الموسوعه الفقهیه المعاصر آمده است که «مجازات آسیب بدنی یا روانی است که به دلیل انجام ممنوع یا عدم انجام واجب بر شخص وارد می‌شود» (۶).

۳- اخلاق

جمع خلق و در لغت به معنای خوی‌هاست و در اصطلاح حالت نفسانی راسخ در نفس که با پیدایش آن حالت، اعمال اخلاقی بدون زحمت و نیاز به تأنی و تأمل سر می‌زند (۵).

انواع حدود

فقه‌های مذاهب خمسۀ اتفاق نظر دارند بر این‌که مجازاتی که به زنا، تهمت، مستی، دزدی و راهزنی تعلق می‌گیرد، حد نام دارد، اما در مورد تعداد و انواع آن‌ها اختلاف نظر دارند. ابوالقاسم الخوئی، از امامیه، عدد حدود را به شانزده می‌رساند (۷). این اختلاف اقوال درباره تعداد حدود، به علل مختلفی بازمی‌گردد، از جمله این‌که برخی ملاک حد شمرده شدن مجازات را تصریح در «کتاب» دانسته و تعداد حدود را کم‌تر از تعداد حدود کسانی که مجازات‌های معین و مقدر در سنت را نیز حد می‌دانند، دانسته‌اند یا این‌که بعضی فقها پاره‌ای از جرائم را داخل در عنوان جرم دیگری دانسته و آن را جرم مستقل به حساب نیاورده‌اند، چنانکه مثلاً محاربه را تحت یکی از دو عنوان قتل و سرقت، یا بغی را تحت عنوان ارتداد قرار داده‌اند، البته با توجه به احکام مختص به حدود که احکامی ساده و کم‌اهمیت نیستند، بر این‌که مجازاتی حد یا تعزیر دانسته شود، آثار قابل توجهی مترتب است (۳).

حکم اقامه حدود

اقامه حدود از جمله احکام تکلیفی است که بر ولی امر و حاکم شرع واجب است تا آن را اجرا نماید و دلیل آن نیز از قرآن، سنت، اجماع و عقل ثابت شده است، چنانچه خداوند در مورد حد زنا می‌فرماید: «الرَّانِيَةُ وَ الرَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ؛ هر کدام از زن زناکار و مرد زناکار را صد ضربه شلاق بزنید» (نور: ۲) (۸) و در مورد سرقت چنین آمده: «وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا؛ و مرد و زن دزد را به [سزای] آنچه کرده‌اند، دستشان را قطع کنید» (مائده: ۳۸) (۸) و در مورد حد تهمت فرموده: «وَ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَ لَّا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا؛ و کسانی که نسبت زنا به زنان شوهردار می‌دهند، سپس چهار شاهد نمی‌آورند، هشتاد تازیانه به آنان بزنید و هیچ‌گاه شهادتی از آن‌ها نپذیرید» (نور: ۴) (۸) و در مورد راهزنی فرموده: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يَحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ

يَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يَقْتُلُوا أَوْ يَصَلُّوا؛ سزای کسانی که با [دوستانان] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند» (مائده: ۳۳) (۸). در سنت پیامبر (ص) نیز بر اجرای حدود الهی تأکید گردیده است (۹) در اجماع فقهای اسلام نیز اجرای حدود از واجبات شمرده شده است. عقل نیز به مقتضای حکمت تشریح این حدود از طرف شرع و با توجه به این‌که طبیعت بشری به انجام شهوات از قبیل شرب خمر، زنا، قتل، گرفتن مال دیگران به زور، دشنام‌دادن و تهمت‌زدن به دیگران، تمایل دارد، حکم به وجوب این حدود می‌نماید تا جلوی فساد گرفته شود و جامعه دچار چنین بحران‌هایی نگردد.

اقسام کیفر حد

حدود بسته به نوع جرائم، اشکال و انواعی دارد: ۱- حد قتل برای ارتکاب زنا یا به عنف و اکراه و زنا با محارم نسبی؛ ۲- حد قتل برای ارتکاب جرم لواط و یکصد ضربه تازیانه برای ارتکاب تفخیز؛ ۳- یکصد ضربه تازیانه برای ارتکاب مساحقه یا همجنس‌بازی زنان؛ ۴- هفتاد و پنج ضربه تازیانه برای قوادی؛ ۵- هشتاد ضربه تازیانه برای شرب خمر؛ ۶- حد محاربه برای جرم ارتداد؛ ۷- قطع دست برای حد سرقت (۱۰).

فلسفه قانونگذاری حدود

دین اسلام جهت تهذیب نفوس، حراست از مصالح امت و بسط عدالت، تأمین امنیت اجتماعی، حفظ نظام و ارزش‌های جامعه، شیوه‌هایی را تشریح و قانونگذاری نموده است. بدون شک، دین اسلام، دین رحمت است، چنانچه خداوند فرموده: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم» (انبیاء: ۱۰۷) (۸)، اما با توجه به این‌که رحمت و لطف الهی شامل حال همه انسان‌ها می‌شود، چنانچه فرموده: «قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ؛ عذاب خود را به هر کس بخواهم می‌رسانم، و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است» (اعراف: ۱۵۶) (۸)، ولی در برخورد با مجرمان و افرادی که نظم، امنیت و آرامش جامعه را بر هم می‌زنند، شیوه‌هایی را تعیین نموده است که هر کدام از این شیوه‌ها نیز، نشانه‌های بارز رحمت الهی را همراه خود دارد:

۱- نخستین راه مبارزه مسالمت‌آمیز با جرائم، نشر آموزه‌های اخلاقی می‌باشد. اسلام در این مرحله از تعلیمات خود، بدون توعید مجرمان به عذاب و تشویق نیکوکاران به بهشت، به انجام فضایل فرمان داده و از بدی‌ها و رذایل باز می‌دارد؛

۲- دومین راه مبارزه مسالمت‌آمیز با جرائم، وضع احکام و قوانین فرعی است، چنانچه در این نوع احکام، برای فرمان‌برداران، بهشت و نعمت‌های آن و برای مجرمان دوزخ و عذاب آن را وعده داده است (۱۱)؛

۳- سومین راه مبارزه با جرائم و گناهان، وضع احکام و قوانین اجتماعی است، احکامی که به هر مسلمانی اجازه می‌دهد تا از حریم دین حمایت کرده و از انجام جرائم تا حد حد توان جلوگیری کند که از آن به امر معروف و نهی از منکر یاد می‌شود؛

۴- چهارمین راه مبارزه با جرائم، وضع احکام و قوانین جزایی است، اگر در جامعه گروهی از مردم وجود داشته باشند که هیچ یک از شیوه‌های مسالمت‌آمیز سه‌گانه قبلی نتواند آنان را به راه آورد و از ارتکاب جرائم باز دارد، پس یگانه راه بازدارنده، اجرای حدود و مجازات‌های جزایی می‌باشد (۴).

اهداف مجازات در فقه

آنچه از مطالعه منابع حقوق کیفری و سخنان فقها درباره علت مجازات به دست می‌آید، این است که کیفر در نظام حقوقی اسلام، برای پاسداری از ارزش‌های راستین اسلامی و تأدیب و تهذیب اخلاقی مجرم و در نهایت ایجاد جامعه سالم از طریق پیشگیری از مفاسد اجتماعی است. بدین منظور هر یک از مجازات‌های اسلامی از جهت حفظ حقوق فردی (حق‌الناس) و یا حفظ حقوق عمومی (حق‌الله) و یا هر دو آن‌ها قانونگذاری شده است. فقها هدف اصلی کیفر را، پاسداری از نفس، دین، ناموس، عقل و مال ذکر کرده‌اند (۱۲). ابن قیم می‌گوید: «مبنا و شالوده شریعت حکمت و مصلحت‌بندگان در معاش و معاد است، حکمت و مصلحتی که سراسر عدل است، سراسر رحمت است، همه شریعت مصلحت و حکمت است، هر چه که از عدل به ستم و از رحمت به ضد رحمت و از مصلحت به مفسده و از حکمت به بیپهودگی گراید، از شریعت نیست.»

جنبه‌های اخلاقی در اجرای حدود

در نظام کیفری اسلام، آیین دادرسی توجه و اهمیت قابل توجهی به جنبه‌های اخلاقی و روانی در اجرای حدود صورت گرفته است که در ادامه به چند نمونه از آن پرداخته می‌شود:

۱- عدم اجرای حدود در گرما و سرمای شدید

حدود در سرما و گرمای شدید اجرا نمی‌شود، زیرا ممکن است ضرری بیشتر از ضرر اجرای حدود برای مجرم داشته باشد و یا حتی به مرگ او بینجامد. از این رو حدود در فصل زمستان باید در اواسط روز و در فصل تابستان حوالی عصر که گرمای هوا کاهش یافته است، اجرا شوند (۳).

۲- عدم تعدی و تفریط در اجرای حدود در نظام حقوقی اسلام

هر گونه تعدی و تفریط در اجرای حدود ممنوع است و در صورت تعدی و تفریط بر اساس این‌که عمدی باشد یا از روی خطا و اشتباه، اجراکننده حد به قصاص یا دیه محکوم خواهد شد (۱۳)، البته اگر نفس اجرای حد الهی بدون هیچ گونه تعدی و تفریط موجب مرگ بزه‌کار یا ضرری دیگر در جسم وی شود، هیچ ضمانتی بر عهده اجراکننده حد نیست (۳).

۳- عدم اجرای حد بر زن باردار، در زمان حیض و نفاس

امام علی (ع) درباره زنان باردار و دارای بچه خردسال، اجرای حکم حد را به تأخیر می‌انداخت، حتی زنی که مرتکب زنا شده بود، پس از تمام‌شدن دوره شیردهی کودک، خدمت امام آمد، تا حد را بر او جاری کند، آن حضرت فرمود: «برو بچه را بزرگ کن تا او بتواند خطر را از خود دفع نماید، پس از آن برای اقامه حد بیا.» در این مورد مصلحت تربیت بچه بر مصلحت اجرای فوری حد، مقدم شده است. در حدیثی دیگر امام علی (ع) فرمود: «کنیز رسول خدا مرتکب زنا شده بود، پیامبر به من دستور داد تا حد را بر او جاری کنم، ولی متوجه شدم او تازه در عادت نفاس قرار گرفته است، ترسیدم اجرای حد موجب مرگ او شود، لذا تصمیم گرفتم حد را اجرا نکنم، وقتی تصمیم خود را به عرض رسول خدا رساندم، ایشان ضمن تأیید اصل تصمیم، فرمودند: احسنت و در نتیجه حد به تأخیر افتاد» (۱۴). قانون مجازات اسلامی نیز در ماده ۹۱ خود در این خصوص چنین مقرر داشته: «در ایام بارداری و نفاس زن، حد قتل یا رجم بر او جاری نمی‌شود، همچنین بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف‌شدن نوزاد برود، حد جاری نمی‌شود، ولی اگر برای نوزاد کفیل پیدا شود، حد جاری

می‌شود.» در ماده ۹۲ ق.م.ا.چنین آمده: «هرگاه در اجرای حد بر زن باردار یا شیرده احتمال بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار باشد، اجرای حد تا رفع بیم ضرر به تأخیر می‌افتد.» قاضی اجرای احکام برای حصول اطمینان از این‌که محکوم‌علیه حامل می‌باشد یا خیر، باید نظریه پزشکی قانونی را در این خصوص جلب نماید (۱۵).

۴- عدم اجرای حد بر بیمار

در میان افراد محکوم ممکن است عده‌ای به دلیل بیماری‌های خاص یا ضعف جسمی تحمل مجازات حدی تازیانه و یا حبس را نداشته باشند، زیرا تحمل این کیفرها ممکن است موجب تشدید یا دائمی و صعب‌العلاج‌شدن بیماری آن‌ها شود و آن‌ها از مرجع قضایی درخواست صدور حکم یا دستور عدم تحمل کیفر کنند. قانونگذار ایران نیز در قانون مجازات اسلامی طی موارد مختلف در باب حدود و تعزیرات و همچنین در قانون آیین دادرسی کیفری به این امر توجه کرده است و شرایط خاصی را به عنوان پیش‌فرض پیش‌بینی کرده است، بزه‌کار را با تحقق شرایط قانونی از تحمل کیفر به صورت دائم یا موقت معاف کند. اگر محکوم به حد بیمار باشد، اجرای حد جلد تا رفع بیماری وی به تأخیر خواهد افتاد، مگر این‌که امیدی به بهبودی وی نباشد یا این‌که حاکم تعجیل در اجرای حکم جلد را، مصلحت بداند که در این صورت مجازات جلد به صورت ضغث اجرا می‌شود. علت تأخیر در اجرای حد جلد سرایت یا تشدید بیماری یا طولانی‌شدن درمان آن می‌باشد، اما اگر شخص بیمار به حد قتل یا رجم محکوم شود، اجرای حد به تأخیر نمی‌افتد، چراکه خوف ضرر و زیان یا تشدید بیماری یا تسری آن متصور نمی‌باشد. در خصوص سایر مجازات‌ها مثل قطع عضو، چنانچه اجرای حد موجب ورود ضرر و زیان بیش از آنچه که لازم حد است باشد و یا خوف هلاکت یا تشدید یا تسری بیماری وجود داشته باشد، اجرای آن به تأخیر می‌افتد (۱۵). تشخیص بیماری از طریق ارجاع محکوم به پزشکی قانونی به راحتی میسر است. در روایتی، مردی در حال بیماری محکوم به حد شده بود، امام علی (ع) فرمود: «او را ببرید، وقتی بهبودی حاصل نمود، برای اجرای حد حاضر کنید، چون ممکن است اجرای حد در حال بیماری او را از بین ببرد (۱۶).

مواد مربوطه در آیین‌نامه دادرسی کیفری

ماده ۳-۲۱۵: آیین دادرسی کیفری مقرر کرده است که اجرای حد شلاق مشروط به حالت سلامت محکوم‌علیه است و در حالت بیماری در صورتی که در اجرای حد احتمال خطر یا ازدیاد بیماری یا عدم امکان درمان برود و نسبت به زنان باردار یا شیرده یا در ایام حیض، نفاس و استحاضه شدید به تأخیر می‌افتد. همچنین شلاق را نباید در هوای بسیار سرد یا بسیار گرم جاری نمود.

تبصره: در صورتی که امید به بهبودی بیمار نباشد یا دادگاه مصلحت بداند که در حال بیماری حد جلد جاری شود، با یک دسته ترکه یا تازیانه که به تعداد ضربات حد باشد، فقط یک بار به او زده می‌شود.

این ماده به نوعی مجموع چند ماده قانون مجازات اسلامی است، لکن تغییراتی را در خود دارد که بدین شرح می‌باشند. اول آنکه برخلاف قانون مجازات فعلی حیض را از موانع اجرای حد دانسته است، البته قید شدید را هم مطرح نموده که برای تعیین آن می‌بایست به عرف زنان رجوع نمود؛ دوم آنکه بحث اجرایی حد در سرزمین مسلمین و عدم اجرای آن در سرزمین کفار را نیز بیان نکرده است و به نظر می‌رسد که این قید را لازم ندانسته است.

ماده ۴-۲۱۵: آیین دادرسی کیفری «اجرای حدود دیگر (غیر از شلاق) چنانچه سالب حیات باشد، بدون شرط اجرا می‌شود، مگر در مورد زن باردار یا شیرده که پس از تحقق زایمان و تضمین حیات نوزاد اجرا خواهد شد و چنانچه حد سالب حیات نباشد، مانند قطع دست یا پا در صورتی اجرا می‌گردد که بیم خطر برای حیات محکوم‌علیه یا از بین رفتن عضو دیگری از او نرود. در موردی که محکوم‌علیه در شرایطی باشد که هیچ‌گاه نشود آن حد را بر او اجرا نمود، حد ساقط می‌شود و دادگاه صادرکننده حکم، چنانچه مجازات دیگری برای آن در قانون معین نشده باشد، می‌تواند مجازات تعزیری شش ماه تا دو سال حبس را به تناسب نوع جرم و خصوصیات مجرم صادر کند.»

در این ماده برخلاف قانون مجازات اسلامی نفسابودن از عداد عوامل مانع حد قتل خارج شده است. نکته جالب و جدیدی که در این ماده وجود دارد، آن است که در مجازات‌های حدی غیر قتل و غیر شلاق مثل قطع دست یا پا چنانچه امکان اجرای حکم برای همیشه نباشد، حد ساقط می‌شود و دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند در صورت عدم انطباق جرم با مجازات‌های

دیگر از حبس تعزیری شش ماه تا دو سال استفاده کند که این عبارت جای تأمل دارد، زیرا ما در میان کتب فقهی معتبر جایی را نداریم که حد به علت عدم امکان اجرای ساقط شود و به جای آن تعزیر اعمال شود، لذا این تبدیل عنوان مجرمانه از جرم حدی به تعزیری است و به نظر خلاف نظر شارع است و صحیح‌تر آن است که در صورت عدم امکان اجرا قائل به هیچ مجازاتی نشویم، البته این حکم در غیر مواردی است که بتوان حکم به ضغث داد.

ماده ۵-۲: اجرای حد تازیانه به نحو زیر انجام می‌شود:

- ۱- در حد زنا تازیانه به شدت و در سایر حدود به طور متوسط زده می‌شود؛
- ۲- حد مرد در حالی که ایستاده و حد زن در حالی که نشسته است، اجرا می‌شود؛
- ۳- در حد زنا، لواط، تفخیز و شرب خمر در حالی که مرد پوشاکی جز ساتر عورت ندارد و در حد قذف در حالی که پوشش متعارف به تن دارد، اجرا می‌شود؛
- ۴- حد تازیانه زن در حالی که پوشش متعارف به تن دارد به گونه‌ای که در اثر اجرای حد بدن او نمایان نشود، اجرا می‌گردد؛
- ۵- تازیانه به طور متوالی و در یک مجلس به تمام بدن محکوم غیر از سر و صورت و عورت وی زده می‌شود.

این ماده اجرای حد شلاق را معین نموده است و دو تفاوت با قانون مجازات اسلامی دارد و آن این‌که در خصوص زن لباس باید به گونه‌ای باشد که در اثر اجرای حد بدن او عریان و نمایان نشود که این قید در قانون مجازات اسلامی وجود نداشت و نیز اجرای حد در یک مجلس باشد که این قید نیز در قانون مجازات اسلامی وجود نداشت. تنها سؤالی که می‌توان مطرح نمود، این است که اگر محکوم حین اجرای حکم بیهوش شود آیا اجرای حد متوقف می‌شود و به جلسه دیگری موکول می‌شود یا این‌که پس از به هوش آمدن از سر گرفته می‌شود و یا در همان حال بیهوشی اجرا می‌شود؟ متأسفانه لایحه اصلاح نیز همچون قانون مجازات مجازات اسلامی در پاسخ به این سؤال مجمل است، اما از عموم قواعد و اصول حقوقی و نظر فقها این حکم به دست می‌آید که می‌بایست پس از به هوش آمدن دنباله حد اجرا شود.

اهداف تربیتی اجرای حدود در اسلام

۱- اصلاح و بازسازی مجرم

بر اساس آیات و روایات، مجازات بسیاری از جرائم حدی تحت شرایط خاصی با توبه بزه‌کار ساقط می‌شود و این امر به روشنی نشان می‌دهد که یکی از اهداف مجازات‌های حدی در اسلام، اصلاح و بازسازی مجرم است. در بیشتر مواردی که قرآن کریم توبه را موجب از میان رفتن آثار یک عمل ممنوع و نامشروع دانسته است، آن را به اصلاح مقید کرده و توبه تنها را کافی ندانسته است. جالب این‌که در مورد توبه، اصلاح را به خود شخص نسبت داده است و این توبه‌کننده است که باید وضع خود را اصلاح و گذشته را جبران کند، البته هر توبه واقعی چنین اثری را در پی خواهد داشت. قرآن کریم به عفو مرتکبان اعمال منافی عفت، در صورت توبه، سفارش کرده است و می‌فرماید: «... فَإِنْ تَابَا وَ أَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا...»؛ اگر آن دو - مجرم - توبه کنند و عمل صالح انجام دهند، از آن‌ها درگذرید.» در سوره مائده آیه ۳۹ پس از ذکر مجازات دزدی می‌فرماید: «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَ أَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ اما آن کس که پس از ستم‌کردن توبه کند و عمل صالح انجام دهد، خداوند توبه او را می‌پذیرد و از این مجازات معاف می‌شود، زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.» همین‌طور در آیه ۳۴ همین سوره پس از ذکر مجازات محاربه، اشخاصی را که پیش از دستگیرشدن توبه می‌کنند، از مجازات معاف دانسته است: «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده: ۳۴) (۸). در روایت مرسل ابن ابی عمیر نیز که روایتی معروف است - و عمل فقها بر اساس آن، ارسال و ضعف آن را جبران کرده است - از امام معصوم (ع) پرسیده‌اند که آیا حد بر کسی که مرتکب دزدی یا شرب خمر یا زنا شده، در حالی که کسی از اعمال وی آگاه نشده و او نیز توبه کرده است، اجرا می‌شود یا خیر؟ حضرت فرمود: «إِذَا أَصْلَحَ وَ عَرَفَ مِنْهُ أَمْرٌ جَمِيلٌ لَمْ يَقُمْ عَلَيْهِ الْحَدُّ» (۱۶).

دقت در فرایند تشدید مجازات‌های حدی نیز وجود اهداف اصلاحی و تربیتی در اجرای این مجازات‌ها را تأیید می‌کند، زیرا هرگاه بر کسی پس از هر بار ارتکاب جرم، حد جاری شده باشد، در مرتبه چهارم کشته خواهد شد و این حکم بدان معناست که مجازات‌های قبل به قصد اصلاح مجرم بوده و هنگامی که بزه‌کار پس از سه یا چهار بار، باز هم به ارتکاب جرم روی می‌آورد، گویا امیدی به اصلاح او نیست و تکرار مجازات پیشین بی‌فایده است (۱۷). نظام

کیفری اسلام، نظامی اصلاحی و عادلانه است که نه دارای افراط است و نه دارای تفریط، نه سخت‌گیری خشن و وحشتناک دارد و نه راه بی‌بند و باری و لاابالی‌گری را هموار می‌کند، بلکه با حفظ احترام انسان و جامه انسانی، اجازه جولان به مجرم و جنایتکار نمی‌دهد و راه درست زیستن و زندگی مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه اجتماعی را تعلیم می‌دهد، با تعلیم کرامت‌های انسانی و تنبیه مجرمان و جنایت‌کاران، زندگی صالح، رو به ترقی و پیشرفت را بنیانگذاری کرده است.

۲- حفظ امنیت و مصالح عمومی

جرائم حدی، گذشته از این‌که اعمالی خلاف ارزش‌های اخلاقی و کرامت انسانی‌اند، به نوعی به منافع و مصالح اجتماعی انسان نیز مربوط می‌شوند، زیرا زندگی اجتماعی انسان بدون برخورداری از امنیت مالی، سلامت عقلانی، حیثیت و آبروی اجتماعی، نسب خانوادگی و نیز داشتن بینش و اعتقاد صحیح دینی، حیاتی شایسته شأن انسان و فراهم‌کننده سعادت واقعی وی نخواهد بود. به همین دلیل در نظام کیفری اسلام اعمالی مانند سرقت، محاربه، نوشیدن مسکرات، قذف، زنا و ارتداد جرم شناخته شده‌اند و برای آن‌ها مجازات تعیین شده است (۱۷). وقوع جرم منشأ ایجاد دو حق علیه مجرم است، یکی حق خصوصی از جهت ضرر و زیانی است که مستقیماً به اشخاص وارد کرده و دیگری حق عمومی به جهت اختلالی که در نظم جامعه وارد کرده است. تعقیب مرتکب جرم از جهت آنکه ضرر و زیانی که به فرد یا افراد جامعه وارد کرده است، بر عهده متضرر از جرم می‌باشد. ولی تعقیب جرم از جهت ضرر و زیانی که به مصالح عمومی و نظم جامعه ایجاد کرده است، بر عهده دادستان و دادگاه است، اما باید دانست که طبیعت قضایی برخی از جرائم به نحوی است که ضرر و زیان آن‌ها برای امنیت جامعه بیشتر است. بنابراین قانونگذار برای حفظ حقوق و مصالح عمومی جامعه، مجازات‌های شدیدی را در قانون پیش‌بینی می‌کند. براین مبنا در بررسی و مطالعه منابع حقوق کیفری اسلام ملاحظه می‌شود که شارع مقدس برای مقابله با تعدی و تجاوز به ارزش معتبر و حقوق عمومی، کیفر حدود را قانونگذاری کرده است. این کیفر که میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده و جنبه حصری دارد، یعنی «حق‌الله» است. به تعبیر دیگر، کیفر حدود برای جرائمی قانونگذاری شده است که حیثیت عمومی آن‌ها در درجه اول می‌باشد و موجب کیفر شدید و سنگین خواهد شد (۱۸).

ماده ۲ قانون آیین دادرسی صراحتاً آمده است «کلیه جرائم دارای جنبه الهی است» که جرائمی غیر قابل گذشت می‌باشند که ممکن است قاضی با شکایت شاکی شروع به رسیدگی کند، ولی رضایت و گذشت شاکی موجب نمی‌شود که رسیدگی را متوقف کند، مانند سرقت، چون قانونگذار معتقد است این قبیل جرائم دارای جنبه عمومی هستند و موجب اخلال در نظم عمومی شده و امنیت جامعه را خدشه‌دار می‌کنند، در جرائم امنیتی هم به همین صورت می‌باشد (۱۹). بنابراین می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین اهداف مجازات‌های حدی در اسلام، حفظ نظم، امنیت و مصالح اجتماعی انسان‌هاست.

۳- عبرت‌گیری و بازدارندگی

دین اسلام بر اساس تربیت و مکارم اخلاق بنا شده است، به طوری که پیامبر اسلام علت رسالت خویش را مکارم اخلاق اعلام فرمودند و راه‌ها و برنامه‌های تربیتی گوناگونی را ارائه کرده است، ولی در همه زمان‌ها انسان‌ها در مقابل برنامه‌های تربیتی تمکین نمی‌کنند و راه سرکشی و ارتکاب جرم را پیش می‌گیرند، در این راستا دین اسلام در مقابل جرم و جنایت مجرمین مجازات حدود را قرار داده است که جنبه بازدارندگی و عبرت‌گیری دارند، البته این هدف، یکی از اهداف همه مجازات‌های حدی است و به جرم خاصی محدود نمی‌شود و به دو دسته بازدارندگی عمومی و بازدارندگی خصوصی تقسیم می‌شود.

مجازات آثاری روانی بر همه مردم به جا می‌گذارد و جرم را نزد آن‌ها منفور می‌گرداند و آن‌ها را به اتخاذ رفتاری سنجیده وامی‌دارد، زیرا موجب می‌شود در برابر انگیزه‌هایی که آن‌ها را به رفتارهای مجرمانه سوق می‌دهند، مقاومت نمایند تا جایی که اگر شخص با انگیزه نیاز یا منفعت بخواهد جرمی مرتکب شود، بیم از مجازات او را وامی‌دارد نیازش را از طریق مشروع برآورده سازد. ماوردی می‌گوید: «خداوند مجازات‌های حدود را قرار داد تا نادان را از بیم در مجازات و از ترس رسوا شدن (از ارتکاب جرم) باز دارد، تا محارمی را که خداوند از آن‌ها بازداشته، ممنوع باشد و فرایضی را که خداوند به انجام آن‌ها دستور داده، متبوع گردد، تا مصلحت فراگیرتر گردد و تکلیف کامل‌تر شود» (۲۰).

قرآن کریم در کیفر حد زنا در آیه ۲ سوره مبارکه نور به صراحت تأکید می‌کند که لازم است گروهی از مؤمنان صحنه اجرای کیفر را مشاهده کنند و ناظر اجرای آن باشند «وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» طبیعت قضایی این نوع مجازات‌ها که با نوعی شدت عمل و

سخت‌گیری شارع همراه می‌باشد، هم دارای خصیصه تریبی برای مرتکب و هم باعث ارباب دیگران خواهد شد. می‌توان گفت که از فایده‌های اجتماعی اجرای حدود عبرت و بازدارندگی مجرم و بازدارندگی استعداد‌های بزه‌کارانه سایر افراد نیز می‌باشد.

ابن فرحون می‌گوید: «واجب است حدود در ملأ عام و بدون پنهانی باشد تا مردم از آنچه خداوند حرام کرده، باز آیند» (۲۱). همان‌گونه که تصریح شده است - علت تازیانه‌زدن بر بدن زناکار این است که وی با همین بدن مباشرت به ارتکاب جرم کرده و از آن لذت برده است. از این رو برای کیفر جرم او و عبرت‌گیری دیگران، مجازات تازیانه تشریح شده است. لزوم علنی بودن اجرای مجازات‌های حدی نیز نشان‌دهنده وجود هدف ارباب عمومی و خصوصی در این مجازات‌هاست - تشریح حد قتل برای زنا به عنف و زنا با محارم نیز در همین راستاست، زیرا در این دو جرم، بزه‌کار چنان در ورطه تباهی و فساد سقوط کرده که امیدی به اصلاح او نیست و تنها باید برای عبرت‌گیری دیگران کشته شود، اگرچه حد رجم و تازیانه نیز از بازدارندگی خوبی برخوردارند (۱۷). تبعید زناکار غیر محصن پس از صد تازیانه با سر تراشیده شده نیز نوعی تشهیر و با هدف بازدارندگی عمومی و خصوصی قرار داده شده است (۳). بر اساس روایات، علت قطع دست سارق نیز رسوایی وی و عبرت‌گیری دیگران است (۱۶).

۴- حفظ و حراست از بنیان خانواده

یکی دیگر از اهداف مجازات‌های حدی در جرائم عفاقی، حفظ و حراست از بنیان خانواده و ارزش‌های اخلاقی در جامعه است. بنابراین می‌توان حفظ و تحکیم خانواده را نیز از اهداف مجازات‌های حدی در اسلام برشمرد. به همین دلیل خداوند زنان و مردان را از عمل قبیح زنا برحذر داشته است، به خصوص زنان و مردانی که دارای همسر هستند. وضع مجازات‌هایی شدیدتر برای آنان بیانگر تأثیر سوء زنا بر مردان و زنان همسر دار بر کانون خانواده بسیار واضح و مبرهن است.

از سوی دیگر، قرآن کریم درباره جرم زنا می‌فرماید: «و لا تَقْرُبُوا الزَّانَا اِنَّهٗ كَانَ فَاحِشَةً وَّ سَاءَ سِيْلًا» و نزدیک زنا نشوید که کار بسیار زشت و بد راهی است (أَسْرَاء: ۳۲) (۸). بنابراین علت حرمت زنا از دیدگاه اسلام قبح ذاتی آن است، به گونه‌ای که حتی اگر آثار سوء دیگر آن مانند اختلال در نسل و نسب نیز با پیشرفت علم و فناوری رفع شود، باز هم این عمل، حرام و از گناهان کبیره است. در روایات نیز در اثبات این جرم نسبت به جرائم حدی دیگر سخت‌گیری

بیشتری شده و حتی مرتکبان این عمل نیز به پرده‌پوشی و توبه به درگاه ربوبی سفارش فراوان شده‌اند. این سیاست کیفری اسلام با این هدف است که از یکسو راه اتهام‌های ناروا بسته شود و از طرف دیگر، بزرگی و قبح ذاتی این عمل زشت و ناپسند در اذهان افراد جامعه اسلامی محفوظ بماند. بنابراین می‌توان گفت یکی دیگر از اهداف مجازات‌های حدی، حفظ عفت عمومی و ارزش‌های اخلاقی و جلوگیری از بی‌بند و باری جنسی است (۱۷).

۵- اجرای عدالت

یکی دیگر از اهداف مجازات‌های اسلامی، به ویژه مجازات‌های حدی اجرای عدالت است، زیرا رسالت همه انبیای الهی اجرای عدالت و قسط در بین مردم است. در این باره قرآن کریم در آیه ۲۵ سوره حدید تصریح می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ.» به طور کلی، از دیدگاه پیشوایان معصوم ما جامعه بشری، بدون عدالت مرده و فاقد حیات واقعی است. این عدالت است که همچون باران، حیات و زندگانی را به بشر ارزانی می‌دارد (۱۶). بنابراین وقتی گرایش به عدالت و تلاش برای استقرار آن در ابعاد فردی و اجتماعی از اصول زیربنایی نظام حقوقی اسلام است، بدون تردید این اصل در بعد جزایی نمود بیشتری دارد.

از دیدگاه اسلام و بر اساس اصل عدالت، مجرم با ارتکاب جرم مستحق مجازات می‌شود. این حقیقت در قرآن کریم هم به صورت کلی و هم در مورد جرائم خاص مورد تأکید قرار گرفته است. قاعده کلی در این رابطه این است: «مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ؛ هَر كَسْ عَمَلْ بَدِيْ اَنْجَامْ دَهْدْ، دَر بَرَابَرِ اَنْ كَيْفَرْ مِي شُود» (نساء: ۱۲۳) (۸). از این رو رفتار ناشایست، انسان را در معرض واکنش متناسب قرار می‌دهد و او را سزاوار جزا می‌کند. در موارد جرائم خاص حدی نیز مانند حد محاربه و حد سرقت ارتکاب جرم علتی برای مجازات مجرم دانسته شده است. بنابراین با توجه به این‌که نتیجه عمل انسان نخست به خود او باز می‌گردد، ارتکاب جرم از دیدگاه اسلام نوعی ظلم به خویش به شمار می‌آید و رفع این ظلم و بی‌عدالتی مستلزم وضع مجازات است. افزون بر این‌که شخص از ارتکاب جرم سود و نفع برده است، پس باید تاوان آن را بپردازد. از این رو حضرت علی (ع) فرمود علت این‌که تازیانه بر تمام بدن زناکار تقسیم می‌شود، این است که تمام بدن او لذت برده است (۱۶).

نتیجه‌گیری

آنچه از مطالعه منابع حقوق کیفری فقها درباره علت مجازات به دست می‌آید، این است که کیفر در نظام حقوقی اسلام، برای پاسداری از ارزش‌های راستین اسلامی و تأدیب و تهذیب اخلاقی مجرم و در نهایت ایجاد جامعه سالم از طریق پیشگیری از مفاسد اجتماعی است. بدین منظور هر یک از مجازات‌های اسلامی از جهت حفظ حقوق فردی (حق الناس) و یا حفظ حقوق عمومی (حق الله) و یا هر دو آن‌ها قانونگذاری شده است. هدف اصلی کیفر را فقها، برای پاسداری از نفس، دین، ناموس، عقل و مال ذکر کرده‌اند. مجرم با ارتکاب جرم به انسان یا انسان‌های خاصی آسیب روحی، جسمی یا مالی می‌رساند و به آن‌ها ظلم می‌کند، زیرا بزه‌کار با ارتکاب جرم و محروم کردن دیگران از حق مشروع خود، به منافع نامشروع دست می‌یابد. از این رو، از میان بردن این بی‌عدالتی نیز مقتضی وضع مجازات بر مجرم است. ارتکاب جرم از دیدگاه اسلام، حرمت احکام الهی را نقض می‌کند و اختلال در نظم جامعه اسلامی ایجاد می‌کند. از نظر عقلی و شرعی انسان مجرم مستحق مجازات است تا بدین وسیله تعادل جامعه نیز که در اثر ارتکاب جرم از میان رفته است، بازسازی شود. بنابراین نظام کیفری اسلام برای از میان بردن این بی‌عدالتی، مجازات‌هایی را تشریح کرده است تا با اجرای آن‌ها عدالت برقرار و اجرا شود. بنابراین دین اسلام جهت تهذیب نفوس، حراست از مصالح امت و بسط عدالت، تأمین امنیت اجتماعی، حفظ نظام و ارزش‌های جامعه، شیوه‌هایی را تشریح و قانونگذاری نموده است که یکی از آن‌ها مجازات حدود است. اجرای حدود اسلامی موجب دوام بشریت، تعالی آن، مانع کدورت و انتقام شخصی است و زمینه تربیت مجرمین را فراهم می‌نماید و عملاً آرمان واقعی جامعه جهانی است.

References

1. Fathi Behnesi A. Islamic Jurisprudence. Beirut: Dar al-Shargh; 1980. [Arabic]
2. Shahid Sani Z. Masalek al-Afham to Revise Islam's Shariah. Qom: Islamic Educational in Statue Pub; 1988. [Arabic]
3. Najafi M. Jawahar al-Kalam in Description of Islam's Shariah. Beirut: Dar al-Hayat al-Toras al-Arabi; 1981. [Arabic]
4. Zoheyli M. Islamic Jurisprudence and its Equivalence. Damascus: Dar al-Fekr; 1983. [Arabic]
5. Dekhoda A. Loghatnemeye. Tehran: University of Tehran Pub; 1998. Vol.5. [Persian]
6. Ghalechy M. Al-Musawa al-Fiqahi al-Maysara. Beirut: Dar al-Nafaes; 2000. [Arabic]
7. Khoyi A. The Foundations of al-Manhajj Monument. Qom: The Institute for the Revival of Khoy Works; 2017. [Arabic]
8. The Holy Quran. Translated by Elahe Qamsheei. [Persian]
9. Al-Nishaburi M. Sahih al-Muslim. Al-Qaherah: Dar al-Riyan; 1987. [Arabic]
10. Mohammadi Gilani M. Criminal Law in Islam. Qom: Al-Mahdi Pub; 1980. [Arabic]
11. Feyz A. Participation and Compliance with General Islamic Penal Law. Tehran: Sazman Chap o Entesharat; 2002. [Persian]
12. Gorgi A. General Islamic Penal Law. Comparative Law Journal 1978; 6: 51-52. [Persian]
13. Khomeini R. Tahrir al-Vasile. Qom: Islamic Publishing Bureau; 1986. Vol.3. [Persian]
14. Ibn Ghodama A. Al-Moghani. Beirut: Daro al-Hadic; 1984. [Arabic]
15. Masoudifar R. Hodood and Practices for its Implementation in Iran's Judiciary. 1st ed. Tehran: Nasl-e Novin; 2006. [Persian]
16. Ameli M. Vasaal al-Shi'a. 2nd ed. Beirut: Dar Al-ehya al-toras al-Arabi; 1983. Vol.18. [Arabic]

17. Vardjani S. The Execution of Hodood in Islam. Tehran: Center for IRIB Research; 2004. [Persian]
18. Validi M. Investigating and explaining the legal nature of the judge's mistake in determining the issue or in complying with the sentence in the Islamic Penal Code. Jurisprudence Review Magazine 1996; 106-107(1): 42-56. [Persian]
19. Nuri M. Mustadrak al-Vasael and Mastanbat al-Masael. Qom: Ale Beyt Institute; 1988. Vol.3. [Arabic]
20. Mawerdi A. Adab al-Dunya al-Dīn. Transletad by Sahebi AA. 1st ed. Mashhad: Astan-e Qods; 1993. [Persian]
21. Ibn-i-Farhoun I. Tabsarat al-Ahkam. Qaherah: Cairo; 1986. Vol.2. [Arabic]